

حدیث «عشره مبشره» یا استفاده‌های سیاسی از روایت*

مایا یازگی**

مترجم: سیدمهدی حسینی***

چکیده^۱

مستشرقان با مطالعه در موارد اختلافی بین گرایش‌ها و نحله‌های اسلامی، نتایج و دست‌آوردهای خود را به صورت روش‌مند و جدید ارائه کرده‌اند. «مایا یازگی» - از مستشرقان معاصر - با بررسی روش‌مندانه روایت جعلی «عشره مبشره» که در منابع اهل سنت نقل شده، به تبیین چگونگی انتخاب جانشینی پیامبر پرداخته است. او در صدد پاسخ به این سؤال است که: پس از رحلت پیامبر [] انتخاب جانشینان آن حضرت بر چه اساسی بوده است؟ و با روش تحلیلی - توصیفی، ضمن بیان گونه‌های مختلف حدیث و با بررسی سندی و متنی آن، به ساختگی بودن حدیث اشاره می‌کند. وی با طرح «شهرت متأخر» حدیث و «نماد عدد ده»، ممتاز دانستن این ده نفر را از دیگر صحابه، قانع‌کننده نمی‌داند. او با توجه به اهمیت سیاسی حدیث، به این نتیجه می‌رسد که «عشره مبشره» جانشینان پس از پیامبر در جامعه اسلامی اند که چهار نفر از اعضای عشره، خلیفه شدند و شش نفر دیگر، شورایی تشکیل دادند که مأمور به انتخاب خلیفه بعدی از میان خودشان بودند.

کلیدواژه‌ها: حدیث عشره مبشره، خلافت قریش، کاربرد سیاسی.

* ترجمه مقاله، Hadiht al-ashara or The Political Uses of a Tradition.

** استاد دانشکده UBC دانشگاه کلمبیا (آمریکا).

*** پژوهش‌گر پژوهشکده تفسیر پژوهشگاه قرآن و حدیث و دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث.

۱. چکیده و مقدمه مقاله حاضر، از مترجم است.

مقدمه

این مقاله را یکی از پژوهش‌گران حوزه استشراق به نام «مایا یازیگی»^۱ نوشته و در مجله *STUDIA ISLAMICA* (ش ۸۶، ۱۹۹۷م، ص ۱۵۹-۱۶۷) چاپ شده است. نویسنده مقاله، استاد دانشکده UBC دانشگاه کلمبیاست و در حوزه تاریخ اسلام به مطالعه و پژوهش در موضوعات اجتماعی و سیاسی اشتغال دارد. گفتنی است، از وی مقاله‌هایی در مباحث تاریخ اسلام با رویکرد حدیثی منتشر شده است.

حدیث «عشره مبشره» در تعدادی از منابع حدیثی اهل سنت با اختلاف در متن و سند نقل شده است. در این حدیث پیامبر اکرم ﷺ راه‌یابی ده نفر از صحابه را به بهشت، بشارت داده است. این ده نفر عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی بن ابی طالب، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، عبدالرحمن بن عوف و ابو عبیده جراح.

نکته‌ها:

۱. بدیهی است، ترجمه این مقاله به معنای پذیرش و یا تأیید مطالب آن نیست، بلکه پردازش روش‌مند و طرح مطالب نوع و استفاده‌های سیاسی و اجتماعی از روایتی جعلی از سوی مستشرق، مترجم را به مطالعه و ترجمه آن واداشت؛ گرچه ساختگی بودن خود روایت و برداشت‌های نه چندان جامع مؤلف از آن، جای بسی تأمل دارد و نقدی در قالب یک مقاله را می‌طلبد. ضمن این‌که با ترجمه این‌گونه مقالات، از دیدگاه و روش مستشرقان (غیرمسلمانان) در بهره‌گیری از روایات اسلامی در موضوعات گوناگون آگاه می‌شویم.

۲. قرن‌ها و تاریخ‌ها در متن مقاله به میلادی است.

۳. اضافات مترجم در متن، در گروه { } قرار دارد و در پانوشته‌ها، در آخر پانوشته به صورت گروه، مترجم {مترجم} آمده است.

اکنون ترجمه مقاله را از نظر می‌گذرانیم.

مقدمه

حدیث عشره، اندیشه‌ای رایج در میان امت محمد^ﷺ است که گفته شده او دست‌یابی ده تن از صحابه خود را به بهشت، پیش‌گویی کرده است. این حدیث، در چهار کتاب از صحاح سته به چشم می‌خورد،^۱ و ظاهراً این حدیث پس از رحلت پیامبر^ﷺ مطرح شده است؛ درست زمانی که جامعه اسلامی با مسئله جانشینی دست به گریبان بود و مهاجران مکی به منظور تقویت ادعایشان برای جانشینی پس از پیامبر، در برابر گروه انصار مدینه در تلاش بودند. بنابراین، ایده «عشره» و روایات مشابه آن، بیان‌گر فهم عمومی آنان از مسئله رهبری پس از پیامبر {ص} است که: انتخاب رهبر باید از میان صحابه قریشی باشد.

اولین کارکرد حدیث «عشره» و کارکردهای بعدی آن، گستره تفکر {سیاسی} مبتنی بر این حدیث و اهداف سیاسی آن را به روشنی آشکار می‌سازد. این عقیده به طور گسترده – پس از قرن دهم – برای تقویت دیگر خواسته‌های سیاسی، مورد بازسازی و استفاده مجدد قرار گرفت؛ برای نمونه، سیاست اهل سنت مبتنی بر این حدیث، کوشش در جهت تقویت دیدگاه سیاسی خود در مواجهه با خطر رشد عقیدتی و سیاسی شیعه قرار گرفت. {در ادامه} اهمیت دوچندان این ایده اثبات خواهد شد که مهم‌تر از نشر گسترده اخبار و داستان‌های مرتبط با محتوای حدیث «عشره» بوده است به این که اهل سنت تلاش می‌کنند تا ایده خود را با طرح این نقشه که «پیامبر^ﷺ ده نفر صحابی یادشده در حدیث عشره را برای رهبری کشور مسلمانان بعد از خودش مشخص کرده است» تقویت کنند.

۱. حدیث عشره در سنن ابن‌ماجه، ابوداود، ترمذی و نسائی به نقل‌های مختلف به چشم می‌خورد، اما در صحیح بخاری و مسلم نقل نشده است.

بنابراین، آنان سعی کردند تا مشروعیت جانشینی اولین خلیفه از خلفای سه‌گانه را - کسی که به گروه عشره تعلق داشت - در مقابل ادعای شیعه، که مخالف با مشروعیت جانشینی وی بود، تقویت کنند.

مفهوم «عشره» در روایات اسلامی

به طور قطع، مفهوم حدیث «عشره» در سنت اسلامی فاقد پیشینه یا مستند قرآنی است. هرچند این نکته صحیح است که قرآن، آیات معینی دارد که پادشاه‌های آخرتی و بهشتی، به افعال (کردار) شخص صحابه وابسته است {البته این دو مقوله کاملاً از هم جدا هستند}؛ هیچ مستندی در قرآن برای تعلق «مجموعه‌ای از چنین پادشاه‌ها» برای صحابه وجود ندارد و این فکر که آیاتی در شأن ده صحابه خوش‌بخت وجود دارد، در هیچ جایی از متن قرآن، یافت نمی‌شود.^۱

نخستین منبع و مرجع حدیث «عشره مبشره» کتاب‌های حدیثی است. عنوان «عشره» به‌کاررفته در این آثار، از سه حدیث نبوی با گونه‌های متنوع، برگرفته شده است. البته این اخبار از طریق تعدادی از سلسله‌اسناد گوناگون، به ما رسیده است که مصدر نقل آن‌ها به دو تن از صحابه به نام‌های «عبدالرحمن بن عوف» و «سعید بن زید بن نوفلی» بازمی‌گردد.

روایت عبدالرحمن بن عوف

به طور کلی، روایت عشره منسوب به عبدالرحمن بن عوف، در مقایسه با روایت منسوب به سعید بن زید نوفلی از اعتماد و وثوق کمتری برخوردار بوده است. دو دلیل برای این ادعا وجود دارد؛ اول این که ترمذی - در جایی که گونه‌های متنوع حدیث عشره را فهرست می‌کند - آشکارا بیان کرده

۱. برای نمونه، زمخشری بیش از دوازده آیه را در *خصائص العشره الکرام البرره* فهرست کرده است که ادعا شده در رابطه با ابوبکر است: نساء، آیه ۵۸؛ مائده، آیه ۵۷؛ توبه، آیه ۴۱؛ نور، آیه ۲۲؛ قصص، آیه ۵۶؛ زمر، آیه ۳۳؛ فتح، آیه ۱۶؛ واقعه، آیه ۱۰؛ واقعه، آیه ۱۱؛ حدید، آیه ۱۰؛ تحریم، آیه ۴؛ لیل، آیه ۶؛ لیل، آیه ۱۷؛ لیل، آیه ۱۸ (ر.ک: *خصائص العشره الکرام البرره*، ص ۳۲-۳۶ و ۴۲).

است که روایت عبدالرحمن بن عوف از روایت سعید بن زید وثوق کمتری دارد؛^۱ دوم این که، محب‌الدین طبری - در حالی که به این حدیث ارجاع می‌دهد - ادعا کرده که بخاری آن را از نقل سعید بن زید ضعیف‌تر دانسته است.^۲ با این حال، هیچ‌کدام از نویسندگان کتاب‌های معجم و اطراف‌نگار، مانند { «مزى»^۳ و «ون سینک»^۴ یادآور نشده‌اند که در صحیح بخاری حدیثی دربارهٔ «عشره» وجود ندارد.

در هر صورت، روایت عبدالرحمن بن عوف از عشرهٔ مبشره تا بیش از قرن نهم باقی نمانده و نقل‌های منسوب به سعید بن زید بن نوفلی از این حدیث، بیشتر شهرت یافته است؛ از این رو، روایات وی در این مقاله بیشترین شایستگی توجه را خواهد داشت.

روایت‌های سعید بن زید بن نوفلی

به طور خاص، روایت سعید بن زید جالب توجه است، زیرا در روایت منسوب به وی، به دو فهرست از عشره اشاره شده است. در اولین فهرست، «افراد ده‌گانه» عبارتند از: پیامبر ﷺ، ابوبکر، عمر، عثمان، علی {علیه السلام}، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید بن نوفلی و عبدالرحمن بن عوف؛^۵ ولی فهرست دوم - که در منابع مهم متأخر آمده است - شامل پیامبر ﷺ نیست، حال آن‌که ابو عبیده بن جراح در این فهرست وجود دارد.^۶

هرچند این تفاوت بین دو فهرست وجود دارد، اما واقعیت آن است که لیست‌ها در یادکرد افراد، همانند هم هستند. در بیشتر نقل‌های دو فهرست، سعید بن زید می‌خواهد سوابق نه تن از عشره را

۱. ر.ک: سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۲. ر.ک: الرياض النضرة فی مناقب العشره، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.

۳. ر.ک: تقریب تحفه الاشراف بمعرفة الاطراف، ج ۱، ص ۳۵۹-۳۶۰ و ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۰؛

۴. *Hand book of early muhammedan tradition leiden: E. J.Brill 1960.*

۵. ر.ک: سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۸؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۶. ر.ک: سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲.

تحت عنوان «این‌همانی» - یعنی همه مثل هم هستند - جلوه دهد و به طور آشکار به شنوندگانش تلقین می‌کند که او «این‌همانی از ده نفر» را در روایت می‌داند. وی زمانی که بر ارائه اطلاعات درباره شناسایی شخصیت عضو آخر تأکید دارد، بهتر می‌داند {تشخیص می‌دهد} که منتظر بماند تا مخاطبان، سؤال را تکرار کنند، و او از روی اکراه، خودش را به جای آن عضو معرفی می‌کند. لذا این صحابه - عضو آخر فهرست - و کسی که ظاهراً اعتبار کمی دارد،^۱ منبع اخبار سه‌گانه است. او در موقعیت یک‌سان با معروف‌ترین صحابه، همانند چهار خلیفه راشدین قرار دارد.

شهرت متأخر ایده‌عشره

قرینه آشکاری وجود دارد که شهرت این ایده از مفهوم «ده صحابه منتخب» در اخبار اسلامی، بعداً توسعه یافته است. هرچند این توسعه، بعدها بر نگاه‌های «السنن» و «الطبقات» نزدیک به قرن نهم، اثرگذار بوده است. به طور کلی، «ده صحابه منتخب» در این حدیث، جایگاه متعادل دارند.^۲ زمانی که تغییر و دگرگونی وقایع در قرن یازدهم آغاز شد، زمان آن بود که این موضوع در طرز نوشته‌ها، اهمیت فزاینده‌ای بیابد. در کتاب‌های طبقات، به‌ویژه در تراجم، شروع به معرفی هر کدام از ده نفر ذکرشده در حدیث عشره کردند، با این وصف که به آن‌ها وعده بهشت داده شده است و این که آن‌ها خود افراد عشره مبشره‌اند؛ و به طور آشکار، این دگرگونی سیر وقایع از زمانی بود که نقل سعیدبن زید از حدیث عشره نسبت به نقل‌های دیگر این حدیث، از اولویت برخوردار می‌شد.

از قرن دوازدهم به بعد، کتاب مستقلی به موضوع «فضایل عشره» یا «پاک‌دامنی ده تن» اختصاص یافت^۳ و در جایگاه موضوعی مردم‌پسند، در نوشته‌های مذهبی متأخر اهل سنت باقی ماند.^۱

۱. احمدبن حنبل در کتاب فضائل الصحابه ضرورتی نمی‌یابد که او را در میان صحابه برشمارد(ر.ک: فضائل الصحابه).

۲. در حالی که خلیفه بن خیاط ضرورتی نمی‌بیند تا سوابق و اطلاعات افراد وابسته به عشره را در مدخل‌ها ثبت نماید(ر.ک: کتاب الطبقات).

۳. برای نمونه ر.ک: خصائص العشره؛ الرياض النضرة؛ سیره النبی و اصحابه العشره؛ الجوهر فی نسب النبی و اصحابه العشره.

دقیقاً از این زمان است که ریشه‌های جعل در توضیح اهمیت این گروه و غنی‌سازی پایه‌ها و زمینه‌های آن‌ها در مکتوبات حدیثی ظهور پیدا می‌کند.^۲

نمادگرایی عدد «ده»

ممکن است گزینش عدد «ده» در حدیث عشره، به خودی خود مهم باشد، چراکه اهمیت عدد ده به افسانه‌ای پیش از قرن ششم قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد؛ زمانی که فیثاغورس از سائوس (۵۶۰-۴۸۰ پیش از میلاد) عدد ده را «عدد کامل» معرفی کرد. ممکن است چنین معنای رمزی از عدد ده، بر نویسندگان منابع اسلامی تأثیر گذاشته باشد؛ برای مثال، به نظر می‌رسد در این حدیث، جعل رخ داده باشد، زیرا - افراد مذکور پیش از عضو آخر - در گروه عشره فهرست شدند، در حالی که در میان نقل‌های گوناگون چندان ثابت نیستند. در حقیقت، بیشتر نام‌ها در سه فهرست برابرند، اما نام ابو عبیده بن جراح در دو فهرست آمده و در فهرست سومی نیامده و نام پیامبر [ﷺ] جای‌گزین نام او شده است. هرچند اندکی تزلزل در فهرست نام‌ها وجود دارد، اما احادیث عشره ثابت باقی مانده است.

بنابراین، عدد نمادین درست‌شده، ممکن است از خیلی چهره‌های موثق، اهمیت مضاعفی داشته باشد. به‌کارگیری نمادین عدد ده با فهرست‌های متباین {مختلف} از اسامی برای تقویت آن، تنها به اخبار اسلامی اختصاص ندارد، بلکه مشابه به‌کارگیری نمادین عددی که در اخبار مسلم و قطعی دیگر مذاهب، مورد توجه خاص بوده است و با قاطعیت افزون‌تری ما را به دوازده حواری عیسوی^۳ و

۱. ر.ک: من فضائل العشرة المبشرين بالجنة؛ جزیل المنه فی سیره المبشرين بالجنة.

۲. برای نمونه، محب‌الدین طبری در خبری نقل می‌کند: «روی عن الله تعالی جمع بینا ارواح العشرة قبل خلقهم و خلق من انواره ظاهرين وحيداً و هو في الجنة»؛ خداوند ارواح عشره را پیش از خلقت آن‌ها جمع کرده و به صورت پرنده‌ای روحانی، انوار آن‌ها را گسترانده است (الرياض النضره، ج ۱، ص ۲۹).

۳. "Jesus and Judasism", P. ۹۸-۱۱۹.

دوازده قوم یهودی^۱ توجه می‌دهد. علاوه بر این، ایده «این‌همانی» ابن‌تومرت^۲ از عشره در روایات اسلامی، در کوشش او برای تأسیس مهدویت و همانند ساختن «خودش» {به محمد} مورد استفاده مجدد قرار گرفت. فهرست اسامی شاگردان او که شورایی متشکل از ده نفر بودند، چندان استوار نبود و اغلب کمتر از ده نفر بودند.^۳ بنابراین، نمادگرایی عدد ده، پیوسته اهمیت مضاعفی از دقت، نسبت به صحت فهرست اسامی، برخوردار است.

مشکل ممتاز شناختن عشره

از حدیث عشره چنین فهمیده می‌شود که فقط از مسلمانان، ایشان هستند که {با هر پیشینه و عمل کردی} به دست‌یابی به بهشت، وعده داده شده‌اند. {این در حالی است که} موارد متعددی از مردان و زنان دیگری وجود دارد، که پیش‌گویی شده است آن‌ها به بهشت راه خواهند یافت.^۴ {در روایات اسلامی} پیامبر با صراحت ورود آن‌ها را به بهشت وعده داده^۵ یا پیش‌گویی کرده است،^۶ یا این‌که از آن‌ها به عنوان مردمانی یاد کرده است که جهنمی نخواهند شد.

۱. "The Twelve Tribes" in *The Jewish Encyclopedia*, vol. XII, P. ۲۵۳-۲۵۴.

۲. محمدبن‌عبدالله‌بن‌تومرت علوی حسنی در سال ۴۸۵ قمری متولد و در سال ۵۲۵ وفات یافت. او به «مهدی هرغی» معروف است. وی سلسله «الموحدین» را در مغرب تشکیل داد. ابن‌تومرت، نخست مردم را به ظهور مهدی بشارت داد و سپس خود ادعای مهدویت کرد و بر اسپانیا تسلط یافت (*المهدیه فی الاسلام*، ص ۱۸۵؛ *تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام*، ص ۱۲۷؛ *فصل‌نامه تاریخ اسلام*، ابن‌تومرت و موحدون، ترجمه وهاب ولی، ش ۹، صص ۱۶۳-۱۹۲). {مترجم}

۳. ر.ک: *نظم الجمان*، ص ۱۲۴-۱۲۸.

۴. ر.ک: *الجوهرة فی نسب النبی*، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۵. ر.ک: *صحیح بخاری*، ج ۱۵، ص ۵۲-۵۳؛ *الجوهرة فی نسب النبی*، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸. ر.ک: *سنن ابن‌ماجه*، ج ۱، ص ۴۴؛ *سنن الترمذی*، ج ۵، ص ۳۲۱.

۶. ر.ک: *سنن ترمذی*، ج ۵، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ *وقعه الجمل*، ص ۴۴.

در روایات دیگر، دسترسی به بهشت برای تمام جنگ‌جویان بدر و تمام کسانی که در حدیبیه با پیامبر ﷺ بیعت کردند، داده شده است.^۱ بنابراین، نیاز به توضیح است که چرا تنها ده نفر یادشده در حدیث عشره، ممتاز شناخته شده‌اند و چه امتیازی بر دیگر واردان بر بهشت دارند.

این که روایت تلاش می‌کند این واقعیت را نشان دهد که افراد به بهشت وعده داده شده در این روایت، به طور واحد و هم‌سان «ده صحابه» هستند، چندان قانع‌کننده نیست،^۲ چراکه به روشنی بیان نمی‌کند که با رشد گسترده و پذیرش آشکار این حدیث، به‌ویژه - درباره ده صحابه‌ای که وعده قطعی بهشت به آن‌ها داده شده است - با دیگر اخباری که افراد دیگر به بهشت وعده داده شده‌اند، مخالفت دارد.

چرایی حدیث عشره و شمول خلفا

عدم یادکرد برخی صحابه بسیار مشهور در فهرست «ده نفر»، به ارزش سیاسی روایت اشاره دارد. مهم است که توجه شود، افراد یادشده در حدیث عشره، همگی مردند؛ مردانی که می‌توانستند نقش هدایت سیاسی جامعه را پس از پیامبر ﷺ ایفا کنند، زیرا همه آن‌ها پس از رحلت پیامبر ﷺ زنده ماندند و افزون بر این، به قریش منسوب بودند. بنابراین، همه آن‌ها شرایط آن را داشتند که در شمار «رهبران تأثیرگذار» باشند. در حقیقت، اسامی موجود در حدیث عشره لیستی از افرادی است که جامعه اسلامی آن‌ها را خلفای جانشین پس از رحلت پیامبر ﷺ فرض کرده است.

در واقع، نتیجه بررسی دقیق این حدیث، عجیب به نظر می‌آید؛ افرادی از صحابه که پیش از پیامبر ﷺ نمرده بودند - و افزون بر این، خیلی از آن‌ها تقریباً به اتفاق آرا به خاطر کارهایشان مورد تحسین واقع می‌شدند - حدیثی را برای فهرستی از عشره درست کردند. این حدیث می‌توانست صحابه‌های معتبری مثل حمزه {علیه السلام}، عموی پیامبر ﷺ را شامل شود؛ کسی که در جنگ احد

۱. ر.ک: سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: صحیح البخاری، ج ۱۵، ص ۵۳.

شهید شد و معمولاً با عنوان «سیدالشهدا» معرفی می‌شد؛ با این حال در هیچ‌یک از لیست‌های حدیث عشره، یادی از نام وی نیست. بنابراین، روش فرآیند انتخاب خیلی ساده بوده است؛ به این معنا که صحابهٔ مرده نمی‌تواند جانشین پیامبر^ﷺ پس از رحلت وی شود؛ لذا هیچ اشاره‌ای در ضمیمه شدن او در لیست «خلفای ممتاز» وجود ندارد.

عشرهٔ قریشی و ارزش سیاسی روایت

این نکته در حدیث جالب توجه است که ده مرد فهرست شده در جایگاه منسوب شدگان به عشره، همه قریشی‌اند.^۱ در حقیقت، اختلاف‌های دو فهرست عبدالرحمن و سعیدبن زید از عشره - فهرست عبدالرحمن که پیامبر را از فهرست عشره استثنا می‌کند^۲ و هر دو نقل، سعیدبن زید را در بر دارد^۳ - محدودهٔ متن روایات را که با داشتن عبارت «عَشْرَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي الْجَنَّةِ» متمایز می‌سازد دقیقاً این معنا در مقایسه با متن‌های دیگر حدیث عشره «عَشْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ» وجود دارد.

بخشی از این دانسته‌ها ممکن است در نگاه نخستین چندان مهم به نظر نرسند، اما آن‌ها اهمیت مضاعفی خواهند یافت؛ {به‌ویژه} اگر کسی محتوای متن روایات را بررسی کند، درمی‌یابد که این روایات {عشرهٔ مبشره} و موضوع قدرت {تأثیر} حدیث، بیشتر برای تنظیم مقدمات برای هدایت جامعهٔ اسلامی ظهور یافته‌اند.

در حقیقت این اخبار، این ره‌آورد را دارند که بعضی افراد فهرست شده در این حدیث به عنوان منسوبان به عشره، «خلیفه»‌اند و تحت عنوان برگزیدگان مورد اعتماد پیامبر^ﷺ مطرحند؛ یا این اشخاص کسانی هستند که پیامبر^ﷺ آنان را برای جانشینی خود معرفی کرده است. در پرتو این نگرش به حدیث، روایات عشره رنگ ضدشیعی به خود می‌گیرند، چه این که این افراد در محدودهٔ آنچه احتمال

۱. ر.ک: *الریاض النضره*، ج ۱، ص ۲۷-۲۸.

۲. همان، ص ۳۰-۳۱.

۳. ر.ک: *اصول النحل عن الناشئ الاخبار*، ص ۶۶؛ *فضائل الصحابه*، ص ۱۱۴-۱۱۵.

داشت در لیست جانشینان ممتاز مطرح شود، اشخاصی هستند که منسوب به اهل بیت {علیه السلام} نبودند.

این اخبار ممکن است یک زمانی برای قریشیان که ادعای خلافت در مورد انصار را داشتند، مورد استفاده قرار گیرد، اما در قرن‌های بعد، نشر و شیوع آن‌ها در فضای دیدگاه سیاسی شیعه و تهدید آن‌ها برای اهل سنت، می‌تواند بهتر درک شود.

هدف از تبلیغ حدیث عشره

افزون بر نکته پیشین {که تمامی افراد عشره از قریشند}، حقیقت این است که گونه‌های مختلف حدیث عشره، بیشتر اشخاص با ویژگی یادشده را دربردارند. درست بعد از رحلت پیامبر [ﷺ]، چهار خلیفه راشدین قصد داشتند از این حدیث برای تأیید خلافتشان، بهره‌برداری سیاسی کنند. به نظر می‌رسد بخشی از هدفشان، تقویت هویت مشترک اهل سنت با تأکید بر مشروعیت مقبولیت اولین فرد از سه خلیفه برای ختنی کردن ادعاهای شیعه در مخالفت با آنان بوده است. این تبدیل شدن‌ها به طور قطع در منابع متعدد - در نقل‌های گوناگون - به نتیجه واحدی تبدیل می‌شوند و آن این‌که پیامبر [ﷺ] اولین فرد از سه خلیفه را برگزیده و آن‌ها را به بهشت وعده داده است.

جالب این‌که، این روایت معمولاً در کنار {با عنوان} حدیث عشره گزارش شده یا در عنوان باب

صحابه و یا در عنوان هر یک از سه خلیفه گزارش شده است.^۱

این هدف تبلیغی، وقتی بیشتر آشکار می‌شود که شخصی نگاشته‌های مرتبط با هر کدام از ده صحابه را بررسی کند، همه نگاشته‌ها {مملو} از فضایل عشره است. در این کتاب‌ها خلفای راشدین، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند؛ برای مثال، محب‌الدین طبری به فضایل ابوبکر و عمر به ترتیب ۱۸۳ و ۱۴۳ صفحه پرداخته است، اما سعد بن ابی وقاص را در سیزده صفحه پوشش می‌دهد و

۱. ر.ک: صحیح مسلم، شارح النووی، عنوان فضائل الصحابه (ابوبکر، عمر، عثمان)، ج ۱۵، ص ۱۶۶-۱۶۹؛ صحیح البخاری، شارح

کرمانی، ابواب مناقب (خلفای سه گانه)، ج ۱۴، ص ۲۱۵-۲۱۷، ۲۲۸، ۲۲۹-۲۳۰.

سعیدبن زید را فقط در شش صفحه می‌پردازد که دو صفحه آن درباره فضایل پدرش زیدبن نوفلی به جای فضایل خود اوست.

می‌توان شبیه این را در کتاب زمخشری مشاهده کرد؛ جایی که گفته می‌شود ابوبکر دارای سی خصیصه است، در حالی که با پنج و سه خصیصه از عبدالرحمن بن عوف و سعیدبن زید، متضاد {در تعارض} است.

بنابراین، عمل نویسندگان این شرح‌ها با گنجاندن برخی از این صحابه میان عشره، تا حدی معماگونه به نظر می‌رسد و این جای‌گزینی، از آنچه در پایان نوشته‌های این افراد به دست می‌آید، چندان قانع‌کننده نیست.

گنجاندن چهار خلیفه راشدین، طلحه و زبیر، عبدالرحمن بن عوف و ابوعبیده بن جراح، احتمال دارد در نگاهی واقعی قابل توجیه باشد، به این‌که ما چندین خبر داریم که پیامبر ﷺ با هر یک از آن‌ها به طور خاصی درباره دست‌یابی آن‌ها به بهشت، صحبت کرده است؛ در حالی که تلیق ابوبکر، عمر، عثمان، علی {علیه السلام}، طلحه، زبیر، سعدبن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف ممکن است در دوره‌های سیاسی بعد، در نقل‌ها به عنوان خلفا یا اعضای شورای عمر بن خطاب به شمار آمده باشد. این شورا به طور سنتی برای تعیین شش صحابه قطعیت یافته بود؛ کسانی که به احتمال قطعی، جانشین عمر بودند. آن‌ها کسانی بودند که عمر فراخوانده بود با هم باشند و یکی از میان خودشان را برای جانشینی عمر انتخاب کنند. بنابراین، این هماهنگی ممکن نیست که به طور توافقی - به استثنای سعیدبن زید - رأی اعضای شورا با بقیه لیست عشره، مشابه باشد؛ افزون بر این، به اندازه کافی شواهدی در نوشته‌ای وجود دارد که اظهار می‌کند ابوعبیده آن زمان در قید حیات بوده است، شاید او برای مشارکت در شورا فراخوانده شده بود.

به طور قطع، این مشکل ممکن است درباره ابوعبیده جراح حل شده باشد، البته اگر او طبق تئوری «هنری لامن» یکی از پذیرفته‌شدگان باشد؛ یعنی ابوبکر، عمر و ابوعبیده بن جراح همان سه

نفری هستند که در شورا معتبر دانسته شدند. ابو عبیده، نقش سیاسی بسیار مهمی درباره آنچه به طور معمول اسناد نوشته‌ها گزارش کرده‌اند، به تصویر کشیده است. البته دلیل توجیهی قرار دادن سعید بن زید در آخر لیست نامشخص است و به طور ساده ممکن است نتیجه گرفته شود که خودش از زمره افراد این حدیث باشد. گرچه از مطالعه سلسله اسناد، هیچ تناقضی آشکار نمی‌شود، ولی یک نفر با توجه به "زمان تنظیم، اعتبار، درستی متنی این حدیث" را نمی‌تواند به طور ارزش‌گذاری قطعی ارائه کند.

نتیجه

در واقع چهار نفر از اعضای عشره، خلیفه شدند و این که - بعد از فوت عمر در سال ۲۳ قمری - شش نفر بقیه اعضای عشره، شورایی را تشکیل دادند که مأموریت انتخاب خلیفه بعدی را از میان آن اعضا به آن واگذار می‌کرد. اهمیت سیاسی حدیث عشره و استفاده جامعه اسلامی از این واژگان برای اشاره به رهبران تأثیرگذار آن روشن است؛ {اما وجود} سعید بن زید {در فهرست} یک مشکل و معضل باقی ماند و گنجاندن او در لیست عشره برای تصدیق اهمیت سیاسی او مشکل است. گرچه او ۲۷ سال در زمان عمر زنده بود، هیچ سندی وجود ندارد که او برای خلافت مطرح شده باشد؛ با این حال، او ممکن است یک افزوده مطلوبی باشد تا نقش توجیهی نمادگرایی عدد ده را کامل کند.

در هر صورت، روشن شد که اعضای این گروه ده نفری در این حدیث به وسیله افعال آن‌ها، پرهیزگاری آن‌ها و پایگاه آن‌ها به عنوان رهبری ایده‌آل جامعه سنی، به طور متمادی به خدمت گرفته شده‌اند. این ارجاع همیشگی به این ده نفر باید به عنوان بازتاب خواست جامعه اهل سنت برای تعیین رهبری با الگوی نمونه مشترک از این ده نفر، مفروض دانسته شود.

کتاب نامه^۱

- تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، محمدجواد مشکور، تهران: اشراقی، ۱۳۸۵.
- تقریب تحفه الاشراف بمعرفة الاطراف، المزی، الحافظ یوسف بن عبدالرحمن، لبنان/ بیروت: مؤسسه الکتب التقیه، ۱۹۹۴.
- جزیل المنه فی سیره المبشرين بالجنته، بداوی، قرآنی طلب، مصر/قاهره، مکتبه و مطبعه محمد علی سهیل، ۱۹۷۴م.
- الجوهره فی نسب النبی و اصحابه العشره، البری تلمسانی، محمد بن ابی بکر، ریاض، ۱۹۸۳م.
- خصائص العشره الکرام البرره، الزمخشری، محمود بن عمر بن محمد، تحقیق، تعلیق و تقدیم: بهیجه باقر الحسنی، عراق/بغداد: سلسله کتب التراث، ۱۹۶۸.
- الرياض النضره فی مناقب العشره، الطبری، محب الدین احمد بن عبدالله، مصر/قاهره: المکتبه الاسلامیه، ۱۹۵۳، چاپ دوم.
- سنن ابن ماجه، ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، عیسی الحلبی، بی تا.
- سنن ابی داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، ابوداود، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، داراحیاء السنن النبویه.
- سنن الترمذی، الترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی، تحقیق: عبدالرحمن عثمان، مدینه: محمد عبدالمحسن الکتبی، بی تا.
- صحیح البخاری بشرح کرمانی، بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ابن المغیره بن بردزیه، شرح: کرمانی، شمس الدین محمد بن یوسف بن علی کرمانی مصر: المطبع البهی المصری، ۱۹۳۷.

۱. فهرست منابع توسط مترجم تنظیم شده است.

- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج، شرح: النووى، تحقيق خليل مأمون، بيروت: دارالمعارف، ١٩٩٤.

- الطبقات الكبرى، ابن سعد، محمد، بيروت: دارالبيروت، ١٩٧٨.

- العشرة المبشرين بالجنة، عبداللطيف عاشور، قاهره: مكتبة القرآن، ١٩٨٨.

- فصل نامه تاريخ اسلام، ابن تومرت و موحدون، اونور يلدرم، مترجم: وهاب ولى، شماره ٩، سال سوم بهار ١٣٨١، صص ١٦٣-١٩٢.

- فضائل الصحابه، ابن حنبل، احمد، تحقيق: محمد بن عباس، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٩٨٣.

- فضائل الصحابه، النسائي، أحمد بن شعيب، تحقيق: فاروق احمد، دارالثقافه، ١٩٨٤.

- كتاب الطبقات، ابى عمر خليفه بن خياط العصفري، تحقيق: سهيل ذكّر، دمشق: وزارات الثقفه و السياحه و الارشاد القومى، ١٩٦٦.

- كتاب اصول الدين عن الناشى الاخبار، تحقيق شده در Joaef Van Ess، بيروت، ١٩٧١.

- من فضائل العشرة المبشرين بالجنة، محمود طنطاوى، قاهره: المجلس اللالى الشئون الاسلاميه، ١٩٧٦.

- المهديه فى الاسلام، سعد محمد حسن، قاهره: دارالكتاب العربى، ١٣٧٣ق.

- نظم الجمان لترتيب ما سلف من اخبار الزمان، ابن قطان المراكشى، تحقيق: محمود على مكى، بيروت: دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٠.

- وقعته الجمل، محمود بن زكريا البصرى، تحقيق: شيخ محمد حسن الياسين، بغداد: من نفائس مخطوطات دارالكتب الظهيريه فى دمشق، ١٩٧٠.

- "Hand book" of early muhammedan tradition", A. J. Wensinck, leiden: E. J. Brill 1960.
- "Jesus and Judasism", E. P.sanders, Philadlphia: Fortress Press, ١٩٨٥.

- "The Twelve Tribes" in *the Jewish Encyclopedia*, G. Hirsch, New York: Funk and Wagnalls Co, 1905.